

دگرگونی اساسی و ساختاری به دنبال خواهد داشت یا مسیری را طی خواهیم کرد که کم‌کم این دلمردگی به بیداری پنهان تبدیل شود تا ضرورت‌های توسعه‌ای ایجاد شود نه دموکراسی. ما در ایران برای برون رفت از بحران ناکارآمدی به توسعه نیاز داریم نه دموکراسی چون نجات بخش نیست و تنه‌ها منازعات سیاسی را افزایش می‌دهد و مردم را برهم می‌ریزد و در نتیجه شروع می‌کنند به تعابیر متعدد کردن. وقتی پروژه توسعه و ضرورت‌ها در دستور کار قرار بگیرد ما به یک تقسیم کار جدی و فنی دست پیدا خواهیم کرد که منطق آن اقتضایی است که ما را مجبور خواهد کرد که تنظیم بین نیروها و نهادهای اجتماعی صورت بگیرد همچنین تقسیم امکانات انجام شود.

**حاضری:** ما دو مسیر داریم یکی انقلاب و دیگری توسعه که راه توسعه می‌تواند به عنوان راه برون رفت از بحران بدون انقلاب باشد. اما همان طور که اشاره شد به گمان من اصولاً دموکراسی در این مسیرها جایگاهی ویژه دارد. توسعه یعنی افزایش منابع و کارآمدی. به نظر من در خلأ دموکراسی و کنترل‌ها و نظارت‌های اجتماعی، در سازوکار توسعه، فساد به وجود می‌آید و اگر نیروهای کنترل و نظارت طبیعی اجتماعی و سازوکار دموکراتیک کنترل اجتماعی نباشد توسعه پایدار رخ نمی‌دهد چون

و تعارضی خواهیم بود که به جای هم‌افزایی دچار فرسایش منابع خواهیم شد.

**آزاد ارمکی:** ببینید مشکل این است که دموکراسی خواهی در ایران ایدئولوژی شده. باز تأکید می‌کنم پروژه توسعه ضرورت‌ها لازم است. اینکه ما چهار خشکسالی هستیم این نوعی ضرورت توسعه است. به زبان جامعه‌شناسانه به نظر من دموکراسی آخرین پروژه جامعه ما می‌تواند باشد نه اولین پروژه. پروژه ایران می‌تواند اول نظم باشد و بعد توسعه. من نظم را پدیده ماندگاری می‌دانم چون جمهوری اسلامی ایران قدرت دارد و توانسته ثبات سیاسی ایجاد کند. به نظر من پروژه توسعه برای پاسخ به نیازها و ضرورت‌ها لازم است. راه حل اساسی کشور این است که گوش به اقتضات بدهد.

**حاضری:** به هر حال مدیریت توسعه اقتضایی قواعدی دارد و رعایت مسائل و مصلحت عمومی مقدم بر منافع شخصی است تا این تقدم منافع عمومی در این روند نسبت به مسائل فردی به وجود نیاید در مدیریت توسعه اقتضایی با مشکل روبه‌رو می‌شویم.

**آزاد ارمکی:** ببینید اشکال جامعه ما این است که اول قانون می‌نویسیم بعد به آن عمل می‌کنیم در حالی که نباید این گونه باشد. وقتی ما مردم را

این صورت است که ضعف‌ها و اشتباهات سیاست‌ها و تصمیم‌ها بهتر دیده می‌شود و دانشگاه محلی می‌شود برای اظهار نظر کارشناسی دقیق مسائل و سیاست‌ها.

■ **با وجود مسائل و موضوعاتی که مطرح شد به نظر شما راه برون رفت از بحران‌های اجتماعی چیست؟**

**آزاد ارمکی:** به طور کلی باید گفت ایران هم کشور بحرانی است و هم کشور بحرانی نیست و برای خروج از این وضعیت باید دید که مشکل بنیادی کشور کجاست و نظام ما از کج‌رنگ می‌برد. ولی مشکل ما به لحاظ تاریخی از ناکارآمدی سیستم بوده چون فراموقعیتی عمل می‌کند و به اقتضات نمی‌پردازد به همین دلیل ما در ایران پدیده تنوع و تکثر را نمی‌پذیریم و در نهایت تقسیم کار اجتماعی را قبول نداریم در نتیجه برای راه حل آن به سراغ آرمان خواهی و ایده آل‌گرایی رفتیم در حالی که این امر به مشکل دوم تبدیل شده است. به نظر من برای برون رفت از این وضعیت باید نقد گفتمان ایدئولوژی را رها کرد تا به پذیرش موقعیت‌های متکثر در ایران رسید. اینجاست که در تقسیمات اجتماعی یک نظام اخلاقی معطوف به این سرزمین به وجود می‌آید.

**حاضری:** به نظر من در کشور به جای اینکه نیروهای

**آزاد ارمکی:** به‌طور کلی باید گفت ایران هم کشور بحرانی است و هم بحرانی نیست و برای خروج از این وضعیت باید دید که مشکل بنیادی کشور کجاست و نظام ما از کج‌رنگ می‌برد

**حاضری:** ما دو مسیر داریم یکی انقلاب و دیگری توسعه که راه توسعه می‌تواند به عنوان راه برون رفت از بحران بدون انقلاب باشد. اما به گمان من اصولاً دموکراسی در این مسیرها جایگاهی ویژه دارد

اجتماعی با استفاده از مدل پیشین، مطلوبیت و عدم مطلوبیت را برای خود تعریف کنند و با هم منازعه کنند بایستی این اصل را بپذیرند که نیروهای اجتماعی اگر بر اصل مصالح و منافع ملی تفاهم داشته باشند باید همه بتوانند با حداقل توانمندی ذهنی و نیروی توان خود برای ساختن، مداخله و مشارکت کنند و اگر قرار است کنترل صورت بگیرد همین کنترل نیروهای رقیب باشد و در واقع یک حداقلی از مدارا و تساهل اجتماعی برای کنار گذاشتن برخوردهای حذفی وجود داشته باشد و در نهایت توسعه کشور در دستور کار مشترک همه نیروها قرار گیرد. پس راه نجات جامعه از بحران‌ها، عبور از روش‌های حذفی و ایدئولوژی‌های غیرتساز و تفاهم بر اساس یک اصل کلان مبتنی بر مصالح و منافع ملی و کارآمد کردن نظام اجتماعی برای زیست همه مردم است.

آرمان‌خواه می‌کنیم دیگر قانون‌گرا نمی‌شوند. بنابراین اقتضات واقعیت‌گرایی ایجاد می‌شود. به نظر من الان بهترین زمان برای فرو ریختن آرمان‌ها و ایدئولوژی برای رسیدن به پروژه توسعه است.

**حاضری:** به نظر من در این شرایط تمام سازوکارها باید بر اساس منافع عمومی باشد نه فردی. باید در جامعه سازوکار ضرورت پاسخگو بودن برای افراد بویژه رانت‌خواران و منفعت‌طلبان ایجاد شود.

**آزاد ارمکی:** به نظر من وقتی تضاد و ترکیبات منافع پیش می‌آید اخلاقیاتی در جامعه شکل می‌گیرد.

**حاضری:** به‌طور مثال به موضوع دانشگاه‌ها اشاره می‌کنیم. اینکه کارکرد دانشگاه باید به گونه‌ای باشد که قدرت تجزیه و تحلیل موضوعات را داشته باشد. در

باعث ایجاد رانت‌خواری در جامعه می‌شود و این خود مرتب باعث تشدید بحران خواهد شد. در هر مقطع که نیروهای یکدست و هم‌صدا شدند می‌بینیم که نگرانی از کنترل و افشاکاری کاهش پیدا کرده و حجم فساد بیشتر شده است. خب این اتفاق را ما در دوره ۸ ساله دولت احمدی‌نژاد دیدیم و اصلاً در این دوره شاهد توسعه به معنی حقیقی نبودیم.

**آزاد ارمکی:** خب به خاطر اینکه احمدی‌نژاد دغدغه توسعه نداشت. در آن زمان مسأله و دغدغه حاکمیت حذف ایدئولوژی دموکراسی خواهی بود.

**حاضری:** به هر حال در این جریان تازمانی که نیروهای موجود به یک گفتمان تکثرگرای سیاسی و مدارا و تحمل یکدیگر نرسند و برخوردهای حذفی جای خود را به مدارا و تحمل ندهد ما دچار سیستم دوگفتمانی ناهمسو